

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختري
همبورگ - جرمني
تنظيم و ویرایش: AA-AA

بهارِ خون

مخمّس بر سرودهٔ ساحر سخن، استاد "خلیلی"

وطن قربان دشت و دامن و فصل بهارانت خدا می داند و جان من و شبهای هجرانت
کجا شد ابر و باران و فضای باغ و بُستانت وطن آمد بهار اما نینم گل به دامانت
نیاید نغمهٔ شادی ز مرغان غزلخوانت
الهی در بگیرد جسم و جان دشمن جانت الا ای مادر میهن سر و جانم به قربانت
چه سان بینم به کاپیسا و لغمان و بدخشانت به جای موج، خون می جوشد از انهار خدانت
به جای لاله روید داغ از طرف بیابانت
کدامین نامسلمانی ترا خونین جگر کرده به خاک و خون کشیده شیرۀ جانت بدر کرده
ترا افسانۀ تاریخ دنیا و بشر کرده نسیم امروز با بلبل حدیثِ عشق سر کرده
مگر وقت سحر بگذشته از خاک شهیدانت
به نام نامیت افغان ستانم فخر می باید تو قلبِ آسیا بودی ترا خواری نمیشاید
چنان می گردد آخر تا خدا هرچه بفرماید چه شد کز پرتو خورشید بوی مرگ می آید
یقین دارم که تابیده به شهرستان ویرانت

صدای راکت و توپ است و فریادِ عزاداران کرا گویم ز حالِ {ناظم} آواره و حیران
چه شد قمری چه شد بلبل چه شد کوکو چه شد الحان غریوِ شیر می آید به جای نغمهٔ مرغان
مگر آتش زده صیاد ظالم در نیستان